

## اصول مدیریت اسلامی از دیدگاه پیامبر اعظم (ص) .....

غلامرضا ویسی

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

### چکیده

از مباحث علمی و دقیق مدیریتی در سازمانها، اصول مدیریت است. مکاتب مختلف مدیریتی هر کدام دیدگاههای خود را نسبت به آن ارائه کرده و دیگران را نسبت به اجرای دقیق آنها توصیه نموده‌اند. اسلام نیز به عنوان یک نظام جامع و کامل زندگی همچنان که به دیگر شئون حیات بشری از جمله، مسائل اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فقهی فرهنگی و... پرداخته است، دربارهٔ مدیریت نیز نظریات ارزشمندی ارائه کرده است، که از آن جمله، اصول مدیریت به عنوان یکی از عوامل مهم موفقیت مدیران در سازمانها می‌باشد. ما در این مقاله برخی از اصول مدیریت از دیدگاه پیامبر اعظم (ص) را در بخش مدیریت منابع انسانی ارائه نموده‌ایم که عبارتند از: تقوی، کرامت انسانی، عدالت، شایسته‌سالاری، امانتداری، صداقت و راستی، خدمتگزاری، انگیزش، جبران خدمت، تعهد و مسئولیت.

کلید واژه‌ها: اصول مدیریت اسلامی، پیامبر اعظم (ص)، تدبیر، مسئولیت، ریاست، امارت، ولایت، حکومت، خلافت.

### مقدمه

به نام مدیر، مدبر، هادی و ناظر کل عالم هستی، او که خود مدیر است و مدیران بی او هیچ‌اند چرا که هر چه دارند همه از اوست و به سوی او باز می‌گردند. درود بی پایان به

واسطه فیض الهی، پیامبر اعظم (ص)، او که ما را به نور الهی آشنا ساخت و بستر کمال انسانی در قلمرو علم و زندگی، دنیا و آخرت را برایمان گسترانید.

امروزه «سازمانها» رکن اصلی جوامع بشری اند و شرایط مختلف زمانی و مکانی نیز نیازهای گوناگون انسانها، باعث ظهور و گسترش روز افزون آنها شده است؛ و در تمام شئون زندگی انسان امروزی از هنگام تولد تا مرگ تأثیر گذارند. مدیریت نیز یکی از مهم ترین کوشش های انسانی است که همه مدیران در همه رده ها و در همه گونه های سازمان وظیفه بنیادی طراحی و اداری و پایا و پویا نگهداشتن آنها را بر عهده دارند. با تحقیقاتی که درباره ناکامی های سازمانها انجام گرفته است ثابت می شود که درصد بالایی از این ناکامی ها، پی آمد مدیریت ناشایسته و ناآزموده است.<sup>۱</sup> البته همین مطلب را سالها قبل پیشوایان معصوم ما اعلام کرده و فرموده اند:

«حسن التدبیر یعنی قلیل المال و سوء التدبیر یعنی کثیره»<sup>۲</sup>

تدبیر نیکو مال اندک را افزایش می دهد و بی تدبیری مال فراوان را نابود سازد.

از این رو می توان گفت مدیریت صحیح و حسن تدبیر در همه نوع همکاری سازمان یافته و در همه رده های سازمانی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. مدیریت نه تنها وظیفه رئیس یک سازمان، شرکت و یا امیر ارتش، بلکه وظیفه سرپرست کارگاه و یا یک گروه کوچک کاری... نیز هست.

امام رضا (ع) در این باره فرموده است:

«هیچ گروه و ملتی از اقوام و ملل را نمی یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد مگر به

وجود مدیر و سرپرستی که امور مادی و معنوی آنان را مدیریت کنند»<sup>۳</sup>

از سوی دیگر عوامل مختلفی در توفیق، اثر بخشی و کارایی مدیران تأثیر گذار است که از مهم ترین آنها «اصول مدیریت» است؛ و این مطلب در مکاتب مختلف مدیریتی مورد توجه خاص قرار گرفته است و هر کدام بر اساس رویکرد مدیریتی خاص خود به آن پرداخته اند. ما در این مقاله بر آنیم، ضمن اشاره به اصول مدیریت از دیدگاه برخی مکاتب مشهور، آن را از دیدگاه اسلام، بویژه در بیانات پیامبر گرامی اسلام طرح و بررسی نماییم. شاید بدین وسیله در جهت نهادینه سازی اصول مدیریتی پیامبر اعظم (ص) گامی برداشته باشیم.

## تعریف اصل

«اصل» در لغت به معنای ریشه و در اصطلاح عبارت است از قواعد و قوانینی که بر چیزی حاکم است و یا اساس و پایه آن است. در مدیریت به معنای راهنما، الگوی عمل و اندیشه، قواعد و چارچوب‌هایی که ناظر بر کل فرایند مدیریت و به مفهوم «خط مشی» و «سیاست» نیز می‌باشد. آنچه در این مقاله مقصود است؛ جنبه «حاکمیت» اصول در فرایند مدیریت است.<sup>۴</sup>

## اصول مدیریت

دانشمندان و صاحب نظران علم مدیریت اغلب وظایف عمده (برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری، ارتباطات، کنترل، تصمیم‌گیری و خلاقیت و نوآوری) را به عنوان اصول<sup>۵</sup> مدیریت و برخی نیز به عنوان وظایف مدیران<sup>۶</sup> نام برده‌اند که به ارائه نظرات عده‌ای از آنها می‌پردازیم:<sup>۷</sup>

**نظریه مدیریت علمی:** «فریدریک تیلور» آمریکایی اصول مدیریت علمی خود را در پنج اصل خلاصه می‌کند. ایشان علمی کردن روش تولید، علمی کردن گزینش افراد، همکاری میان سرپرستان و کارکنان، تعیین واحد کار و پرداخت مزد مبتنی بر تعداد واحد کار انجام شده و آموزش، مطالعه و بررسی زمان و حرکت را برای واحدهای کار مطرح کرده است.

**نظریه مدیریت اداری:** «هنری فایول» فرانسوی چهارده اصل را به عنوان اصول مدیریت اداری خود به شرح زیر عنوان کرده است:

تقسیم کار، اختیار و مسئولیت، انضباط، انتظام سازمانی، انصاف، وحدت فرماندهی، تبعیت منافع از منافع عمومی، حقوق و پاداش مالی کارکنان، وحدت دستور، تمرکز، سلسله مراتب، نوآوری و تقویت مبانی کار جمعی و گروهی، ثبات و دوام سازمانی.

**نظریه مدیریت بوروکراسی:** «ماکس وبر» جامعه شناس آلمانی نیز در نظریات مدیریتی خود؛ ضابطه، انضباط، انتظام، انصاف، قاعده و قانون، منطق و ثبات را به عنوان اصول مدیریت مطرح کرده است.

برخی دیگر نیز اصل تخصص کار،<sup>۸</sup> اصل سازمانی عقلانی و رفتار عقلانی کارکنان،<sup>۹</sup> مشارکت گروهی در ایجاد تغییر،<sup>۱۰</sup> اصل مهارت فنی مدیران و مهارت کار در گروه<sup>۱۱</sup> و... را مطرح کرده‌اند.

بنابراین اصول مذکور در مدیریت نوین از تعریف و مفهومی واحد برخوردار نیستند و گاه با مفاهیمی مانند وظایف و روشها نیز تداخل دارند، و گاه به عرصه خاص از ارکان و عناصر مدیریت نظر دارند، در حالیکه اصول مدیریت اسلامی از آنجا که بر فطرت انسانی، سنت‌های حاکم بر هستی و اندیشه‌های جهان شمول اسلام تکیه دارد، برای انواع مدیریت‌ها و سازمانها در شرایط زمانی و مکانی متفاوت، سودمند و قابل استفاده است. از سوی دیگر اصول مدیریت نوین گرچه به سازمان و کارکنان آن نظر دارد، اما جهت‌گیری اساسی آن افزایش تولید و سودآوری بیشتر است در حالیکه اصول مدیریت اسلامی خدانگر، انسان‌نگر و جامعه‌نگر است و به دنبال سعادت و کمال انسانی در جهت سیر الی‌الله می‌باشد و علاوه بر کمیت کار و ابعاد مادی آن به کیفیت و ابعاد معنوی کار نیز توجه دارد.

## ویژگیهای اصول مدیریت

اصول مدیریت به طور کلی دارای چهار ویژگی عمده زیر هستند:

- ۱- کار و عمل نیستند، بلکه حاکم و ناظر بر کار و کارگزارند.
  - ۲- محدود کننده رفتار هاینند و در نیل به هدف‌ها، طریقی خاص تعیین می‌کنند.
  - ۳- ابهام زداینده و در شرایط پیچیده و مبهم، الگو و راهنمای عمل اند.
  - ۴- هویتی آمرانه دارند و بایدها و نبایدها را در عمل روشن می‌سازند.<sup>۱۲</sup>
- اصول مدیریت اسلامی نیز دارای چهار ویژگی زیر می‌باشد:
- ۱- ناظر بر نگاه دین به زندگی بشر است که آن را در دو بعد دنیا و آخرت می‌بیند. برخلاف مدیریت در رویکرد غیر دینی که نهایت و غایت امر را در تولید و افزایش بازدهی خلاصه می‌کند و کمال معنوی انسان را نادیده می‌گیرد.
  - بنابراین، اصول مدیریت در دین رنگ معنویت و اخلاق به خود می‌گیرد و افزایش تولید و بازدهی را نیز مقدمه رشد و تعالی انسان به سوی حق تعالی می‌داند.
  - ۲- در مدیریت اسلامی انسان محوری و روابط انسانی به طور واقعی مطرح است و همه چیز در خدمت انسان است. بر خلاف مکاتب دیگر مدیریت که هنگام بحث از روابط

انسانی، هدف واقعی افزایش بازدهی، سود و سرمایه و تولید است؛ نه خدمت و رفاه و تعالی انسانی و در کسب مهارت انسانی مدیران، همه تلاش بر استفاده بیشتر و بهینه امر انسان به منظور سود آوری بیشتر است. ویژگی اسلام این است که انگیزه‌ها و هدف‌ها را دگرگون و اصلاح می‌کند و در جهت سیر الی الله قرار می‌دهد.

۳- در مدیریت اسلامی، یک مدیر هیچ‌گاه مجاز به استفاده از هر ابزاری برای نیل به هدف سازمان خود نیست و حق ندارد به منظور افزایش تولید و سرمایه یا تحقق اهداف سازمان خود اصول انسانی و اسلامی را زیر پا بگذارد یا نادیده بگیرد. بلکه موظف به مراعات اصول اسلامی در هر شرایطی است. برای مثال، از نظر اسلام اهانت به یک مسلمان و خوار کردن او اهانت به خداست. رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «من استخف بفقیر مسلم فقد استخف بحق الله...»<sup>۱۳</sup>

### اصول مدیریت اسلامی

در این شماره از فصلنامه، اصول مدیریت اسلامی را بر اساس یکی از کارکردهای عمده مدیریتی، یعنی «مدیریت منابع انسانی» ارائه و بررسی می‌نمایم. و به دلیل محدودیت موجود مباحث مربوط به کارکردهای برنامه ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری، فرهنگ سازمانی، رهبری و هدایت و نظارت و کنترل را در شماره‌های بعدی ارائه خواهیم کرد. شایان ذکر است اصول مدیریت اسلامی در این مقاله محدود به دیدگاه پیامبر اعظم (ص) خواهد شد و مباحث مربوط به سیره آن بزرگوار بحث نشده است که آن هم خود دریایی است از معارف و علوم که جا دارد در جای خود به آنها پرداخته شود و مخاطبان عزیز از آن مباحث بهره‌مند گردند.

### - اصول مدیریت منابع انسانی

اصول تقوا، کرامت انسانی، عدالت، شایسته‌سالاری، امانتداری، صداقت و راستی، خدمتگزاری، انگیزش (تشویق و تنبیه)، جبران متناسب خدمت، تعهد و مسؤولیت، برخی از مهمترین اصولی است که می‌توان بر اساس روایات نقل شده از پیامبر اعظم (ص) دیدگاه مبارک آن حضرت را درباره مدیریت منابع انسانی سازمان تبیین و ارائه کرد.

## ۱- اصل تقوا

در نظام اسلامی، تقوا به عنوان یک اصل و معیار مهم ارزشی و بنیادی بر کلیه شئون عبادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و مدیریتی جامعه حاکمیت دارد؛ و هیچ حرکتی در این چارچوب انجام نمی‌گیرد که در زیر پوشش «تقوی» نباشد. پیامبر اعظم (ص) در این باره می‌فرماید:

«الا ای بندگان، خدای شما را به پرهیزگاری و عفت همی خواند و همی سفارش می‌کنم که یک دم، بی یاد ایزد متعال نباشید، و یک لحظه از فرمان وی سر نیپچید و به آنچه مصالح شما را تأمین می‌کند و ضامن منافع اجتماع است، بپردازید و از اعمال زشت و ناپسند که پراکندگی و تفرقه توده را ایجاب نماید برحذر باشید».<sup>۱۴</sup>

و نیز آن حضرت می‌فرماید: خداوند به حضرت داود فرمود:

«حرامٌ علی کل قلب عالم محب الشهوات ان اجعله اماماً للمتقین».<sup>۱۵</sup>

رهبری الهی مردم با تقوا، بر دانشمند هوس دوست ممنوع است.

آن حضرت در یکی از خطبه‌های خود می‌فرماید:

«پروردگار دانا آن قلب پاک را دوست همی دارد که کانون عشق و عفت و کان صمیمیت و یکرنگی است. من شیفته آن انسان باشم که در راه منافع دیگران بر هوس و آرزوی خود مسلط گردد و غیر، را بر خود مقدم دارد. این خود خواهی منحوس را از جان خود دور دارد و در عوض از خود گذشتگی و فداکاری بر جای آن نهد چون ما برای مردم آفریده شده‌ایم و شایسته نیست در امانت آفرینش خیانت کنیم. این قرآن مجید است که از جانب خدا به حقیقت و راستی پیام آورد:

آدمیزاده را از زن و مرد آفریده‌ایم و امتیازات خانوادگی را صرفاً برای، آشنایی قبایل مقرر داشته‌ایم. این آشنایی بر حرمت و تشخیص کسی دلالت نکند. در ملکوت آسمانها آن کس محبوب‌تر است که پرهیزگارتر است. این قانون تا روز قیامت به قوت خود باقی خواهد بود و نسخ نخواهد شد».<sup>۱۶</sup>

بر اساس دیدگاه پیامبر اعظم (ص) یکی از اصول مهم مدیریت اصل تقوا است که هم در مدیریت منابع انسانی و هم در وظایف و کارکردهای دیگر مدیریت به شمار می‌رود و نه تنها در مدیریت بلکه در تمامی شئون زندگی اجتماعی انسان این اصل ساری و جاری است و تخلف از آن مدیران را گرفتار عواقب شوم دنیا و آخرت می‌گرداند.

## ۲- اصل کرامت انسانی

یکی دیگر از اصول مهم مدیریت اسلامی، اصل «کرامت انسانی» است. بدین معنا که او موجودی است بزرگوار، ارزشمند، قابل احترام و دارای عزت، حیثیت و شرف. از این رهگذر هرگونه تحقیر، اهانت و بی‌احترامی و قدر ناشناسی از وجود و ارزشهای انسان، با کرامت او ناسازگار و ممنوع است. در مدیریت اسلامی اصل انسان است و همه چیز باید در خدمت او و برای تعالی او باشد. همه چیز برای او آفریده شده است و باید مسخر او قرار گیرد. حتی فرشتگان در خدمت انسان هستند و در جهت رشد و کمال او به امر خدای متعال، عوامل طبیعت را هماهنگ می‌کنند. و به همین دلیل در بینش اسلامی همه ابزارها در خدمت انسان است و استفاده ابزاری از او ممنوع است. کارکردن انسان باید به گونه‌ای باشد که به کرامت، شرافت انسانی و سجایای اخلاقی او صدمه وارد نکند. بلکه روز به روز بر کرامت و شرافت او افزوده شود.

پیامبر اعظم (ص) در این باره می‌فرماید:

لا تحقرنَّ أحدًا من المسلمین فانَّ صغیر هم عندالله کبیر. ۱۷

هیچ کس از مسلمین را نباید کوچک شمرد، زیرا کوچک آنان نزد خداوند بزرگ است.

و نیز فرمود:

سبابُ المؤمن فسوق، و قتاله کفر، و اکل لحمه معصية و حرمة ماله کحرمة دمه. ۱۸

دشنام به مؤمن موجب فسق، و جنگ با او کفر و غیبت او معصیت خدا و احترام مال او مانند

احترام خون اوست.

بنابراین بر اساس بیان پیامبر اعظم (ص) مراعات اصل کرامت انسانی در اعمال

مدیریت لازم و ضروری است و مدیریت در نظام اسلامی باید با توجه به تمامی مسائل

ارزشی و کرامت وجودی انسان اعمال گردد. و هر جا که بخواید کرامت و انسانیت او، با

شیوه‌های مدیریت به خطر افتد و از کرامت و منزلت او بکاهد، ممنوع اعلام می‌گردد و هیچ

گاه یک مدیر اجازه ندارد ارزشهای والای الهی و انسانی کارکنان خود را نادیده گرفته و

انسانیت را آلت و ابزار دست هواهای نفسانی و قربانی پیشبرد اهداف سازمانی خود نماید.

مدیرانی این چنین در نزد پیامبر اعظم (ص) جزء خوارترین و پست‌ترین مردم قلمداد

شده‌اند:

أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ.<sup>۱۹</sup>

خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.

### ۳- اصل عدالت

از نظر پیامبر اعظم «عدالت» نیز از اصول مهم مدیریت اسلامی است بدین معنا که عدالت، حاکم، ناظر و راهنمای عمل و عامل است و باید‌ها و نبایدها را در ارکان و ابعاد مختلف مدیریت مشخص می‌کند.

عدل و عدالت، از آشناترین مفاهیم تاریخ بشریت است و می‌توان گفت با مفاهیمی چون حق، آزادی، امنیت و حیات قابل مقایسه است. آنچه در بیان مفهوم عدالت به ذهن می‌آید عبارت از (برابری) است. که مفاهیمی مانند موزون بودن اجزاء و ارکان سازمان، تساوی و نفی هر گونه تبعیض، رعایت حقوق افراد و دادن حق هر فردی و... در سازمان را شامل می‌گردد.

در بینش اسلامی، عدالت به عنوان یک اصل محکم و متقن مدیریت مطرح است و عزم جدی پیامبر (ص) و ائمه هدی از جمله امیر المؤمنین علی (ع) بر اجرای قاطعانه این اصل در هر برهه از زمان به آن تعلق گرفته است. از همه مهم‌تر اینکه خدای متعال در قرآن کریم، اجرای عدالت را از وظایف اصلی و فلسفه ارسال پیامبران ذکر کرده است؛ آنجا که می‌فرماید:

لقد أرسلنا رسلنا بالبينات و أنزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط...<sup>۲۰</sup>

پیامبران را مجهز به دلائل روشن و منطق قوی فرستادیم و کتاب آسمانی و قانون در اختیار آنان قرار دادیم، تا مردم، قیام به قسط کنند.

در بیان پیامبر اعظم (ص)، عدالت یک اصل و قانون گسترده‌ای است که نظام هستی بر محور آن می‌چرخد. آسمانها و زمین و موجودات عالم آفرینش بر مبنای عدالت استوار هستند.

و در چنین شرایطی است که رعایت این اصل برای مدیران از هر کس دیگری زیننده‌تر است:

العدل حسنٌ و لكن في الأمراء أحسن...<sup>۲۱</sup>

عدالت نیک است ولی در زمام داران نیکوتر است.



و عقوبت بی عدالتی چنان است که فرموده است:

من وثی عشرة فلم يعدل فيهم، جاء يوم القيامة و يدها و رجلاها و رأسه في ثقب فاس. ٢٢  
کسی که سرپرستی امور ده نفر را بر عهده گیرد و در میان آنان به عدالت رفتار نکند، روز قیامت در حالی به عرصه محشر می آید که دست‌ها و پاها و سرش در بند حلقه برنده و خارداری قرار دارد. پیامبر (ص) در ترغیب و تشویق مدیران به اجرای عدالت به عنوان یک اصل مهم در مدیریت خود تأکید می کند که؛

السلطان العادل ظل الله في ارضه تاوي اليه كل مظلوم. ٢٣

سلطان عادل سایه یزدان است در روی زمین که هر دادخواهی به او پناه می برد. و با توجه به اینکه در اصول مدیریت اسلامی به انسان به عنوان یک موجود دو بُعدی نگریسته شده است و این ویژگی اصول مدیریت اسلامی است که قبلاً اشاره شد. پیامبر اعظم (ص) به آن مدیران که این اصل را نادیده بگیرند، هشدار داده و می فرماید:

اول من يدخل النار امير مسلط لم يعدل و... ٢٤

نخستین کسی که داخل دوزخ می شود امیر توانایی است که عادل نباشد.

و نیز می فرماید:

إن أحب الناس الى الله تعالى يوم القيامة و أدناهم مجلساً إمام عادل و ابغض الناس الى الله تعالى و أبعد هم منه امام جائر. ٢٥

محبوب‌ترین مردم در نظر خدا روز قیامت و نزدیکتر از همه به او پیشوای دادگستر است و منفورترین مردم و دورتر از همه به او پیشوای ستمگر است.

و باز هم می فرماید:

هر زمامداری که پس از من کار امت مرا به دست گیرد، روز رستاخیز بر صراط متوقف شود و فرشتگان نامه عمل او را بکشایند، اگر عادل باشد خداوند او را به وسیله عدلش نجات دهد، و اگر ستمگر باشد، صراط زیر پای او چنان بلرزد که بندهای او را از هم جدا کند، میان دو عضو او صد سال راه فاصله باشد؛ سپس از صراط بیفتد. ٢٦

اهمیت اصل عدالت در مدیریت اسلامی آن چنان است که پیامبر اعظم (ص) مأموریت خود را اجرای عدالت بیان کرده فرموده است:

فرمان یافته‌ام که میان شما به عدالت رفتار کنم. ٢٧

بنابراین در مدیریت اسلامی عدالت و برابری انسان‌ها از اصول محکم و جدی است. و هم‌چنانکه می‌فرماید: «عرب را بر عجم و عجم را بر عرب هیچ برتری نیست مگر به تقوا» و امکانات موجود در جامعه و بیت المال مسلمین هم مربوط به همهٔ مسلمانان است و هیچ تبعیضی در آن پذیرفته نیست. و در تخصیص بودجه، امکانات، مسئولیت و... همه با هم برابرند و هیچ کس را بر دیگری برتری نیست. بر همین اساس است که یک مدیر مسلمان در سازمان نمی‌تواند و حق ندارد اصل عدالت را نادیده بگیرد و در صورتی که بر خلاف این اصل عمل نماید علاوه بر اینکه شایستگی مدیریت در سازمان را از دست خواهد داد مرتکب گناهی شده است که باید منتظر عواقب و خیم آن در این دنیا و آخرت نیز باشد.

#### ۴- اصل شایسته‌سالاری

اصل شایسته‌سالاری و کفایت در مدیریت اسلامی به عنوان یک اصل مترقی برای ادارهٔ امور جامعه مطرح است و در ابعاد مختلف مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. در متون و منافع قرآنی و روایی و در قول و سیرهٔ پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) موارد متعددی در این باره ذکر و ثبت شده است که تنها به بیان دیدگاه پیامبر اعظم (ص) می‌پردازیم:  
آن حضرت دربارهٔ اصل شایسته‌سالاری می‌فرماید:

من وئی من امر المسلمین شیئاً فوئی رجلاً و هو یحذ من هو اصلح للمسلمین به فقد خان الله و رسولہ. ۲۸

کسی که چیزی از امور مسلمین را بر عهده گیرد، سپس فردی را عهده‌دار کاری کند در حالی که فرد اصلح از او را می‌یابد، به خدا و رسول او خیانت کرده است.

و نیز می‌فرماید:

من استعمل غلاماً فی عصابة فیها من هو ارضی الله منه فقد خان الله. ۲۹

کسی که جوانی را به حکومت جمعی بگمارد در حالی که فردی در بین آن جمع وجود دارد که بیشتر مورد رضای خداست، به خداوند خیانت کرده است.

پیامبر اعظم در بیان خود عدم مراعات اصل شایسته‌سالاری را علاوه بر خیانت به خدا و مسلمین که در احادیث قبل ذکر آن به میان آمد، موجب سقوط و انحطاط گروه و سازمان می‌داند و می‌فرماید:

من ام قوماً و فیهم من هو اعلم منه لم یزل امرهم الی السفال الی یوم القیامة. ۳۰

کسی که بر جماعتی امامت کند و رهبری آنها را بر عهده گیرد، در حالیکه در میان آنها فردی از او آگاه‌تر وجود دارد، پیوسته کار آن گروه رو به سقوط می‌رود.  
رسول گرامی اسلام (ص) در حدیثی دیگر این اصل را آنقدر جدی تلقی فرموده‌اند که عدم مراعات آن را از نشانه‌های قیام قیامت و موجب نابودی جامعه بشریت شمرده‌اند:

إذا ضیعت الامانة انتظر الساعة، قيل يا رسول الله و ما اضعاتها؟

قال: اذا اسدى الامر الى غير اهله فانتظر الساعة.<sup>۳۱</sup>

هنگامی که امانت ضایع گردد، منتظر پایان جهان باش! عرض کردند:

یا رسول الله! منظور از ضایع کردن امانت چیست؟ فرمود: هنگامی که کارها به دست غیر اهلس سپرده شود، منتظر پایان جهان باش.

تکریم پیامبر اعظم (ص) از جوانان شایسته‌ای مانند «مصعب بن عمیر» بیست ساله به عنوان اولین نماینده خود و امام جمعه مدینه، «جعفر بن ابی طالب» ۲۵ ساله به عنوان سخنگوی اسلام در حبشه، «اعتاب ابن اسیر» ۲۱ ساله به عنوان فرماندار مکه و امام جماعت مسجد الحرام و... همه از مصادیق بارز پابندی آن حضرت به اصل شایسته سالاری در مدیریت اسلامی است.<sup>۳۲</sup>

بنابراین بر اساس دیدگاه و بیان پیامبر اعظم (ص) اصل شایسته سالاری نیز به عنوان یک اصل مترقی و قابل توجه در سازمان بوده و عدم مراعات و توجه به آن علاوه بر خیانت به خدا و مؤمنین موجب سقوط گروه و سازمان و از هم پاشیدن و نابودی جامعه نیز می‌گردد. که بیانات آن حضرت بهترین دلیل برای اثبات اهمیت این اصل در مدیریت اسلامی می‌باشد.

##### ۵- اصل امانتداری

یکی از اصول مدیریت اسلامی امانتداری است. این اصل متوجه تمامی کارکنان و مدیران سازمانها است، لکن مدیران سازمان به لحاظ داشتن اختیارات فراتر از کارکنان مخاطب خاص این اصل هستند و می‌بایست بیشتر از آنها مراعات این اصل را بنمایند.

پیامبر اعظم (ص) خطاب به ابوذر می‌فرماید:

انها امانة و انها يوم القيامة خزي و ندامة إلا من اخذها بحقها وادی الذی علیه فيها.<sup>۳۳</sup>

حکومت در دست حاکم امانت است و آن در روز قیامت مایه خواری و پشیمانی است، مگر اینکه کسی آن را به حق و از راه مشروع تصاحب کند و به وظیفه خود عمل کند.

و در حدیثی دیگر می‌فرماید:

من استعملنا منكم على عمل فكتننا مخیطاً فما فوقه كان غلولاً يأتي به يوم القيامة. ۳۴

اگر فردی را در پستی گماردیم و او یک نخ یا بالاتر از آن را از ما پنهان کند او خائن است، و مالی را که خیانت کرده غلی در گردن او در قیامت خواهد بود.

آن حضرت درباره اهمیت اصل امانتداری می‌فرماید:

لا تنظروا الى كثرة صلاتهم و صومهم و كثرة الحج و المعروف، و طنطنهم بالليل، ولكن انظروا الى صدق الحديث و اداء الامانة. ۳۵

برای آزمایش مردم نگاه به زیادی نماز و روزه آنها و کثرت حج و نیکی کردن آنها به مردم و سر و صدای آنها در عبادات شبانه نکنید، بلکه به راستگویی و امانت آنها نگاه و توجه کنید.

اصل امانتداری یکی از اصول مهم دعوت انبیاء و همه مذاهب آسمانی بوده است.

بنابراین در نگاه پیامبر اعظم (ص) مراعات امانت، چه در اصل پذیرش مسئولیت و چه در واگذاری آن به دیگران یا به کارگیری امکانات و منابع انسانی و مادی در سازمان یک اصل اساسی و لازم الرعایه است. و هیچ مدیری نمی‌تواند از این اصل تخلف ورزد چرا که تخلف از این اصل مهم علاوه بر ایجاد فساد و تباهی سازمانی موجبات عقوبات الهی و اخروی نیز می‌گردد.

#### ۶- اصل صداقت و راستی

مدیران هر سازمان نیازمند به بالاترین سطح ادراکی و مهارت انسانی به منظور ایجاد ارتباط با کارکنان و ایجاد اعتماد متقابل در میان آنها هستند. لازمه ایجاد اعتماد متقابل و همبستگی با کارکنان، صداقت در گفتار و عمل است. از این رو صداقت در گفتار و عمل می‌تواند نقش مؤثری در کارکرد مدیریتی مدیران سازمان داشته باشد. گاه یک «سخن» یا «عمل» غیر صادقانه کافی است که میان مدیر و فرمانده و افراد تحت امر او جدایی بیفکند. به همین دلیل مدیر و فرمانده حتی از کارهایی که او را متهم به ترک صداقت می‌کند، هرچند واقعیت نداشته باشد باید پرهیزد تا بتواند سرمایه عظیم اعتماد عمومی را حفظ کند.

در مدیریت اسلامی به قدری روی دو مسأله «امانت» و «صداقت» تأکید شده که درباره کمتر موضوعی دیده می‌شود، و این به دلیل نقش حیاتی این دو، در زندگی اجتماعی بشر است.

امام صادق (ع) می فرماید: «خداوند متعال هیچ پیامبری را نفرستاد مگر به راستگویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار».<sup>۳۶</sup>

در میان پیامبران الهی رسول اکرم (ص) از عالی ترین رتبه صداقت برخوردار بود. تا جایی که امیر مؤمنان علی (ع) ایشان را چنین توصیف می کند:

كان اجود الناس كفاً، و اجزة الناس صدراً، و اصدق الناس لهجة.<sup>۳۷</sup>

از تمام مردم بخشنده تر و از همه شجاع تر و از همگان راستگوتر بود.

و آن حضرت بیان می کند که کثرت نماز و روزه و حج و نیکی به مردم و سر و صداهای عبادات شبانه شما را از راستگویی و صداقت غافل نکند. اصل مهم صداقت است نه عبادت فراوان و در غیر این صورت همه عبادات و نیکی ها هم ریا و تظاهر است و هیچ سودی برای او و اطرافیان ندارد.

بنابراین در مدیریت منابع انسانی؛ از جمله به کار گماری، آموزش، نقل و انتقال و جابجایی نیروها و کارکنان و... اصل صداقت و راستی نقش اساسی ایفا کرده و می تواند در افزایش اثربخشی و کارایی مدیران کاملاً مؤثر باشد. چرا که کارکنان در هنگام ملاحظه و درک صداقت در گفتار و عمل مدیران خود را کاملاً با آنها هماهنگ کرده و سعی بیشتری در تحقق اهداف سازمان می نمایند. و با ایجاد الفت، همکاری و مشارکت گروهی بر موفقیت های مدیریت می افزاید.

#### ۷- اصل خدمتگزاری

خدمتگزاری مدیران و کارکنان سازمان به عنوان یک اصل در مدیریت اسلامی مورد توجه ویژه ای قرار گرفته؛ که مدیران علاوه بر اینکه در این رابطه و وظیفه خود را انجام می دهند، موجب افزایش بهره وری و کارایی سازمان خواهند شد. پیامبر اعظم (ص) در این باره می فرماید:

سید القوم خادمهم.<sup>۳۸</sup>

رئیس یک گروه خدمتگزار آنها است.

از نظر پیامبر اسلام (ص) اصل خدمت به مردم و وظیفه عمده و اساسی مدیران، کارکنان و دستگاههای اداری است و مدیریت نیز خود به خود از نظر اسلام مطلوبیت ذاتی ندارد.

حتی در برخی موارد انسان‌ها را از پذیرش آن بر حذر داشته است؛ چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید:

کسی که به دنبال ریاست برود هلاک شده است.<sup>۳۹</sup>

بنابراین مدیریت در دیدگاه پیشوایان اسلامی به ویژه پیامبر اعظم (ص) به عنوان امر ثانوی مورد توجه قرار می‌گیرد و به دنبال استیفای حقوق مسلمانان، خدمت و کمک‌رسانی، مساعدت در رفع حوائج آنان است.

توجه خاص مدیریت سازمان به امر خدمتگزاری در بخش مدیریت منابع انسانی ضمن جلب اعتماد به عنوان سرمایه اجتماعی در سازمان می‌تواند همکاری گروهی کارکنان و مشارکت آنان را در تحقق اهداف سازمان جلب نموده و موجب افزایش بهره‌وری و کارایی سازمان شود؛ علاوه بر همه این مزایای دنیوی، جلب رضای خداوند متعال کرده و از پاداش‌های معنوی و اخروی آن نیز برخوردار گردد.

امام خمینی (ره) نیز همواره با تأسی از پیامبر اعظم (ص) خود را خدمتگزار مردم دانسته و مسئولان را نیز به خدمتگزاری فرامی‌خواند:

من از عوطف شما ملت ایران تشکر می‌کنم. من شما ملت رنج‌دیده را فراموش نمی‌کنم. من از عهده شکر شما بر نمی‌آیم... من از همه شما منت می‌کشم. من خادم همه شما هستیم.<sup>۴۰</sup>

و ایشان خطاب به مسئولان و کارگزاران می‌فرماید:

دائماً در نظرتان باشد که ما یک بنده خدایی هستیم که این مردم، ما را به این محل رساندند و ما برای آنها باید خدمت بکنیم. رئیس جمهور باید فکر بکند که این مردم کوچه و بازار من را از پاریس آوردند اینجا و رئیس جمهور کردند، من باید خدمت بکنم به مردم، نخست وزیر باید فکر همین معنا باشد که این مردم بودند که من را از حبس‌ها و زجرهای آنجا بیرون آوردند و نخست وزیر کردند، من باید خدمت به آنها بکنم.<sup>۴۱</sup>

۸- اصل انگیزش (تشویق و تنبیه)

يا ايها النبي انا ارسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً و داعياً الى الله باذنه و سراجاً منيراً.<sup>۴۲</sup>

در قرآن بیش از ۱۲ مرتبه مشتقات «انذار» و بیش از ۴۰ بار مشتقات «بشارت» به کار رفته است و قسمت مهمی از آیات قرآن توصیف نعمت‌های معنوی و مادی بهشت است

که تشویقی برای حرکت به سوی نیکی‌ها و پاکی‌ها است. و در بخش عظیمی از مجازات‌های روحانی و جسمانی دوزخیان سخن می‌گوید که یک عامل بازدارنده است.<sup>۴۳</sup> پیامبر اعظم (ص) هنگام اعزام «معاذبن جبل» برای رهبری مردم یمن فرمود:

يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ، بَشِّرْ وَلَا تَنْفُرْ<sup>۴۴</sup>

بر آنان آسان بگیر نه سخت، تمایل آنان را برانگیز و ترغیبشان کرده و از راه تخویف و ایجاد هراس وارد نشوکاری نکن که مردم احساس تنفر کنند.

و از مواردی که خود پیامبر (ص) از طرف خداوند مأمور به تشویق و ایجاد انگیزه در مسلمانان می‌شود آنجایی است که خداوند به پیامبر دستور داده است که هرگاه مسلمانان برای پرداخت زکات به نزد تو می‌آید و بنابر وظیفه شرعی و انسانی خود زکات مالش را می‌پردازد، تو بعد از دریافت، او را دعا کن، چون دعای تو موجبات آرامش خاطر و مشوقی برای کار نیک او می‌باشد.

خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزكيم بها و صلّ عليهم، ان صلواتك سكن لهم و الله سميعٌ  
عليم.<sup>۴۵</sup>

از اموال آنها صدقه (زکوة) را دریافت کن، تا بدینوسیله آنان را پاک نمایی و زمینه رشد و پاکیزگی در آنها فراهم سازی و بر آنان دعای خیر بفرست، زیرا دعای تو مایه آرامش خاطر آنهاست و خداوند شنوا و دانا است.

چنان که در قرآن به اصل مهم تشویق و ایجاد انگیزه اشاره شده است و یکی از اصول مهم کاری پیامبران را تبشیر، ایجاد شوق و رغبت و انگیزه ذکر کرده است و می‌فرماید: خداوند پیامبران را با سلاح تبشیر و انذار برانگیخت.<sup>۴۶</sup>

مقصود از (تبشیر) مزده دادن، و ایجاد شوق و رغبت نسبت به نیکی کردن‌هاست و مقصود از (انذار) برحذر داشتن از کارهای زشت است.

پیامبر اعظم (ص) در بیانات خود ایجاد شوق و رغبت به کارهای نیک را از بهترین کارها دانسته و آن کار را موجب نزدیکی به خدا معرفی می‌کند و می‌فرماید:

اِنَّ احَبَّ عِبَادِ اللَّهِ اِلَى اللَّهِ مَنْ حَبَّبَ اِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ وَ حَبَّبَ اِلَيْهِ فَعَالَهُ.<sup>۴۷</sup>

محبوب‌ترین بندگان خدا نزد وی کسی است که کار نیک را محبوب او ساخته و میل انجام آن را در دلش انداخته است.

بر اساس آیات و روایات مذکور و نیز دیدگاه پیامبر اسلام (ص) تشویق و تنبیه و ایجاد انگیزه در مدیریت به عنوان یک اصل مهم و جدی تلقی می‌شود و از عوامل مؤثر در افزایش اثربخشی، بهره‌وری و کارایی سازمان است. به همین دلیل مدیران سازمان موظفند در مدیریت منابع انسانی خود کاملاً مواظب و مراقب باشند که هیچ خدمت مهمی از نظر آنان مخفی نمانده و تشویق و ایجاد انگیزه در کارکنان را در متن کار خود قرار دهند و از دیگر سؤ رفتار ناشایست کارکنان را نیز مورد توجه قرار داده و در صورت لزوم تنبیه نمایند. چرا که این یک سنت الهی است که از زبان پیامبرش بیان گردیده و مورد تأکید قرار گرفته است: ان الله تبارک و تعالی لا یظلم المؤمن حسنةً یعطی علیها فی الدنیا و یجاب علیها فی آخره...<sup>۴۸</sup> خداوند هیچ یک از کارهای نیک مؤمن را از قلم نمی‌اندازد و در دنیا و آخرت پاداش آن را می‌دهد.

#### ۹- اصل جبران متناسب خدمت

قال النبی (ص): یا علی الصلوة و ما ملکت ایمانکم الله الله فی ما ملکت ایمانکم<sup>۴۹</sup>  
 ای علی نخست نماز را بر پا دارید و دیگر از زیر دستان خویش غفلت موزید، نگذارید برهنه و گرسنه بمانند و رضا ندهید که دلتنگ و افسرده باشند.<sup>۵۰</sup>  
 در مدیریت اسلامی به ویژه در بیانات پیامبر اعظم (ص) تأکید فراوانی در خصوص رسیدگی و توجه به کارکنان، پرداخت دستمزد و جبران متناسب خدمت آنان شده است. و اصل جبران خدمت به عنوان یکی از اصولی که مدیران سازمانها ملزم به مراعات آن هستند. در غیر این صورت مرتکب گناه کبیره‌اند:

ظلم الاجیر اجره من الکبائر.<sup>۵۱</sup>

پرداخت نکردن مزد کارگر از گناهان کبیره است.

اعلام مزد کارمند قبل از انجام کار از حقوق اولیه او دانسته شده است:

إذا استأجر أحدکم اجیراً فلیعلمه أجره.<sup>۵۲</sup>

وقتی یکی از شما کسی را اجیر می‌کند میزان مزدش را به او بگوید.

و در جای دیگر در خصوص زمان پرداخت حقوق و مزد کارکنان می‌فرماید:

اعطی الأجیر اجره قبل أن ینشف عرقه.<sup>۵۳</sup>

مزد کسی را که اجیر کرده‌ای بده پیش از آنکه عرق بر تنش خشک شود.



بنابراین اصل جبران خدمت و پرداخت حقوق کارکنان در مدیریت اسلامی از دیدگاه پیامبر اعظم (ص) یکی از اصول مهم و جدی است که مراعات دقیق آن در سازمان موجب افزایش بهره‌وری، اثر بخشی و کارآیی آن می‌گردد و می‌بایست مدیران به نحوی عمل کنند که هم از لحاظ آگاهی و رضایت فرد و تناسب مزد با کار و هم از جهت زمان پرداخت هیچگونه کوتاهی و قصوری صورت نگیرد.

#### ۱۰- اصل تعهد و مسئولیت

از دیگر اصول مهم مدیریت اسلامی از دیدگاه پیامبر اعظم (ص) تعهد و مسئولیت سازمانی است. مدیریت سازمان در برابر فرد فرد و جزء جزء تشکیلات متعهد و مسئول است. بدین گونه که هر گاه به این اصل خدش‌های وارد شود بنای مدیریت متزلزل و شیرازه سازمان از یکدیگر گسسته خواهد شد.

آن حضرت در این باره می‌فرماید:

كَلِمَةُ رَاعٍ وَ كَلِمَةُ مَسْئُولٍ فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَىٰ أَهْلِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَىٰ بَيْتِ زَوْجِهَا وَ عَلَىٰ وَلَدِهِ فَكَلِمَةُ مَسْئُولٍ عَنِ رَعِيَّتِهِ.

همه شمانگهبان و مسؤول یکدیگر هستید، پس امام مسؤول امت و مرد مسؤول خانواده و زن مسؤول بر امور خانه و فرزندان است، پس همه شما در منصب مدیریت مسؤول کسانی هستید که زیر نظر شما کار می‌کنند.<sup>۵۴</sup>

و در بیان دیگر می‌فرماید:

إِنَّمَا وَ أَلِيٌّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي فَلَمْ يَنْصَحْ لَهَا وَ يَجْتَهِدُ لَهَا كَنْصِيحَةٍ وَ جَهْدِهِ لِنَفْسِهِ كَيْبَهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَلَىٰ وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ.<sup>۵۵</sup>

هر زمامداری چیزی از کار امت مرا به دست گیرد و در کار آنها مثل کارهای خصوصی خود دل‌سوزی و کوشش نکند روز رستاخیز خداوند او را وارونه در آتش اندازد.

و نیز می‌فرماید:

مَا اسْتَرَعَىٰ اللَّهُ عَبْدًا رَعِيَةً فَلَمْ يَحْضُهَا بِنُصْحِهِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ.<sup>۵۶</sup>

وقتی خدا رعیتی را به رعایت کسی سپارد و او به لوازم خیرخواهی رعیت قسام نکند خدا بهشت را بر او حرام کند.

بر اساس دیدگاه پیامبر اعظم (ص) بر مبنای روایات فوق، انسانها در مقابل یکدیگر مسئول و متعهد هستند و مدیران نیز در هر سطحی از سازمان مسئولند، و به منظور اداره منابع انسانی توجه به این اصل ضروری و حتمی است و عدم مراعات آن علاوه بر اینکه موفقیت، اثر بخشی و کارایی مدیران را پایین می آورد و می تواند موجبات شکست سازمانی آنها را فراهم نماید و در آخرت نیز آنان را گرفتار عذاب الهی و دوزخ می کند. بنابراین توجه و مراعات این اصل از دیدگاه آن حضرت به عنوان یک اصل جدی و ضروری است.

### نتیجه

پیامبر اعظم (ص) به عنوان اولین مدیر، فرمانده، و رهبر نظام اسلامی و آخرین پیام آور فلاح و رستگاری واقعی برای بشر، برنامه کامل زندگی بشر را در تمامی شئون حیات او ارائه کرده است که از آن جمله اصولی است که باید در مدیریت امور جمعی مورد توجه قرار گیرد. در نگاه پیامبر اعظم از اصول مهمی که می بایست در اداره منابع انسانی مورد توجه خاص قرار گیرد، اصول دهگانه تقوی، کرامت، عدالت، شایسته سالاری، امانتداری، صداقت و راستی، خدمتگزاری، انگیزش، جبران خدمت، تعهد و مسئولیت می باشد. که توجه و الزام عملی به آنها باعث افزایش بهره وری، اثر بخش و کارایی مدیریت سازمانها و تحقق اهداف آنها می گردد و بدیهی است عدم توجه به آن اصول نه تنها موفقیت آن مدیران را به دنبال ندارد بلکه موجبات عذاب اخروی نیز می شود.

### پی نوشتها:

۱. اصول مدیریت، هرولد کونتز و... ترجمه فارسی، علوی، فرهنگی، مهدویان، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ج ۱، ص ۴-۵.
۲. آمدی، شرح غررالحکم، تصحیح ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۸۷.
۳. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۲.
۴. علامرضا ویسی، فصلنامه حصون، شماره ۱۰، ص ۱۰۱، تحقیقات اسلامی ۱۳۸۴، ص ۱۶۸.
۵. تیرگلی، اصول و مبانی مدیریت، پژوهش‌های علمی و کاربردی، فصلنامه علمی، ص ۶۳.
۶. اصول مدیریت، ج ۱، ص ۳.
۷. فاسم واقفی، مدیریت اسلامی، پژوهش‌های علمی و کاربردی، فصلنامه علمی، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۸. همان، آدام اسمیت.
۹. همان، هربرت سیمون و جیمز مارچ، ۱۹۵۸ و ۱۹۵۷.
۱۰. همان، کرت لوین.
۱۱. همان، تریست و بامفورت.
۱۲. همان، ص ۱۰۲-۱۰۳.
۱۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۸۸.
۱۴. جواد فاضل، سخنان حضرت محمد(ص)، ص ۷۶.
۱۵. روضة الواعظین.
۱۶. جواد فاضل، سخنان حضرت محمد(ص)، ص ۷۲.
۱۷. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۱۰.
۱۸. همان.
۱۹. ابوالقاسم حالت، فروغ بینش، ص ۲۸.
۲۰. حدید ( )، آیه ۲۵.
۲۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۵.
۲۲. تفسیر صافی، ذیل آیه ۷ سوره الرحمن.
۲۳. چهل حدیث در مدیریت، ص ۴۵.
۲۴. فروغ بینش، ص ۱۲۰.
۲۵. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، (انتشارات جاویدان، ۱۳۵۴)، ص ۱۱۵.
۲۶. همان، صفحه ۲۱۰.
۲۷. شوری ( )، آیه ۱۵.
۲۸. الغرر، ج ۲۰، ص ۸۳۹.
۲۹. آیه الله مکارم شیرازی، مدیریت و فرماندهی در اسلام، ص ۱۲۸.
۳۰. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۱۵.
۳۱. مدیریت و فرماندهی در اسلام، ص ۱۴۴.
۳۲. غلامرضا ویسی، فصلنامه حصون، ش ۵، ص ۱۷۷.
۳۳. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۲۴، چاپ بیروت.
۳۴. همان، ص ۱۲۷.
۳۵. سفینه البحار، ج ۱، ماده «امن» ص ۴۱.
۳۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۴.
۳۷. درسهایی از سیره پیامبر اعظم، ص ۷۳.
۳۸. نهج الفصاحه، ص ۳۷۲.
۳۹. اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب طلب الرئاسة.
۴۰. در جستجوی راه از کلام امام (ره)، دفتر ششم، ص ۴۰.
۴۱. اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی (ره)، ص ۲۵۹.

۴۲. احزاب (۳۳)، آیه ۴۶.
۴۳. مدیریت و فرماندهی در اسلام، ص ۱۳۵.
۴۴. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۳۷.
۴۵. توبه (۹)، آیه ۱۰۳.
۴۶. فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين، (بقره (۲)، آیه ۲۱۳).
۴۷. جواد فاضل، سخنان حضرت محمد (ص)، ص ۱۲۰.
۴۸. همان.
۴۹. نهج الفصاحة، ابوالقاسم پاینده، ص ۳۲.
۵۰. ابوالقاسم حالت، فروغ بینش، ص ۴۸.
۵۱. صحیح بخاری، ج ۳، باب النکاح.
۵۲. نهج الفصاحة، ص ۲۱۰.
۵۳. همان، ص ۵۳۷.
۵۴. فروغ بینش، ابوالقاسم حالت، ص ۳۲۲.
۵۵. نهج الفصاحة، ص ۲۱۰.
۵۶. همان، ص ۵۳۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی